



پودمان ۱: مطالعه مفهوم زیبایی و هنر..... ۹

- نگاه کردن، گوش دادن و رفتار..... ۱۱
- زیبایی و زیبایی شناسی..... ۲۰
- مفاهیم بنیادی هنر..... ۲۵
- عناصر هنری..... ۲۸
- سبک و مکتب..... ۳۲

پودمان ۲: خلاقیت هنری..... ۳۵

- سرچشمه‌های خلاقیت و آفرینش هنری..... ۳۷

پودمان ۳: تحلیل آثار هنری..... ۴۹

- فضا..... ۵۲
- صدا..... ۹۹
- حرکت..... ۱۱۱

پودمان ۴: هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی..... ۱۲۳

- خصایص فرهنگ ایرانی – اسلامی..... ۱۲۵
- صیانت از میراث فرهنگی ملموس..... ۱۳۵
- بازآفرینی و زنده نگهداشتن میراث فرهنگی غیرملموس..... ۱۳۶
- توسعه و بهسازی محیطی با آثار هنری..... ۱۳۷
- عوامل آسیب‌زای میراث فرهنگی..... ۱۴۰

منابع..... ۱۴۳





در سال‌های گذشته سعی کردیم به شما کمک کنیم تا زیبایی‌های محیط پیرامونتان را بهتر ببینید و با توجه به استعدادها، توانایی‌ها و علایق خود در رشته‌های مختلف هنری، به خلق زیبایی‌ها بپردازید. اگر سواد را بیان معنا و انتقال آن به دیگران بدانیم، حجم عظیمی از این انتقال معنا نه تنها از طریق خواندن، نوشتن و حساب کردن که از طریق تجربه زیبایی‌شناسی صورت می‌گیرد و تنها این تجربه است که به زندگی معنا و مفهوم می‌دهد. کسی که اوج زیبایی‌های طبیعت و عظمت خلقت پروردگار را درک کرده باشد، زیبایی خیره‌کننده کاشی‌کاری‌های اصفهان را قدر بگذارد، خط شکسته و نستعلیق را بشناسد، مولوی، خیام و حافظ را زیر لب زمزمه کند و در برابر آواهای دل‌انگیز سکوت اختیار کرده، گوش فرا دهد، این فرد به درستی زندگی خواهد کرد.

این کتاب حاصل تلاشی دیگر است برای گسترش و تعمیق تجربه زیبایی‌شناسی شما. این تجربه حاصل نمی‌شود مگر از طریق درک و شناخت زیبایی‌ها در موقعیت‌های مختلف، تجزیه و تحلیل، ارزش‌گذاری و خلق آنها. کتاب پیش رو، از چهار پودمان تشکیل شده است. در نخستین پودمان، شما با مفاهیم اساسی و بنیادین زیبایی‌شناسی و هنر آشنا خواهید شد. در پودمان دوم، با عوامل مؤثر در بارور شدن خلاقیت هنری، آشنا شده و مهارت‌های لازم برای خلق یک اثر هنری را کسب خواهید کرد. پودمان سوم به تجزیه و تحلیل آثار هنری و شناخت معیارهای زیبایی‌شناسی براساس سه مؤلفه فضا، صدا





و حرکت اختصاص دارد که شالوده اصلی شاخه‌های مختلف هنری را شکل می‌دهد. و بالاخره در پودمان چهارم شما با مهم‌ترین خصوصیات هویت بخش هنر ایرانی - اسلامی و راه‌های حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی و هنری آشنا خواهید شد.

تجربه زیبایی‌شناسی به شما کمک خواهد کرد تا نه تنها زیبایی‌های محیط پیرامون خود را بهتر ببینید بلکه، جهان را زیبا ببینید که تجلی اوست و آمده‌ایم که عاشق شویم و درگذریم که راز زندگی و مرگ آدمی این است:

ور باد نبودی که سر زلف ربودی رخساره معشوق به عاشق که نمودی





بودمان ۱

مطالعه مفهوم

زیبایی و هنر

این فصل به ارائه تعاریف کلی در مورد زیبایی و هنر می‌پردازد. با مطالعه این فصل ما با دیدگاه‌های مختلف در زمینه زیبایی و هنر آشنا می‌شویم. علاوه بر آن، با این موضوع آشنا می‌شویم که ساختار همه هنرها به گونه‌ای بنا شده که بر عواطف، احساسات و قدرت تعقل انسان اثر می‌گذارد و فطرت زیبادوستی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دستیابی به ریشه این اشتراکات ما را در زمینه شناخت عمیق ماهیت و کارکرد هنر یاری می‌رساند. در خلال این آشنایی، تلاش می‌شود حساسیت ما در زمینه نگاه کردن و شنیدن مظاهر زیبای هنر در محیط زندگی ارتقا یابد.

در پایان این پودمان از شما انتظار می‌رود

- پدیده‌های پیرامون خود را با تیزبینی ادراک و زیبایی‌های آنها را بهتر دریافت کنید.
- با شناخت مفهوم زیبایی، هنر و اصول آن درک خود را از زیبایی‌ها بازنمایی کنید.



نگاه کردن، گوش دادن و رفتار

اشیاء و پدیده‌ها ذاتاً زیبا هستند، زیرا مخلوق خدا هستند و کار هنرمند جز این نیست که این زیبایی را نمایان کند. برای درک بهتر زیبایی، نخست باید به تفاوت میان دیدن و نگاه کردن؛ شنیدن و گوش دادن و حرکت و رفتار پی ببریم. زیرا هرچند این اصطلاحات و واژگان در نگاه نخست هم‌معنی به نظر می‌رسند، در زمینه آفرینش و ادراک هنر، معانی متفاوتی دارند.

دیدن و نگاه کردن



فعالیت ۱

پدیده‌هایی که در مسیر خانه تا مدرسه برای مدت طولانی وجود داشته، اما طی روزهای گذشته برای اولین بار توجه شما را جلب کرده است بیان کنید. به نظر شما چه عاملی باعث شده است توجه شما به آنها جلب شود؟

چشم انسان یکی از ابزارهای مهم برای شناخت محیط است؛ زیرا انسان با چشم می‌تواند اطراف خود را ببیند و بشناسد. عمل نگاه کردن به‌طور ارادی و معمولاً به‌قصد خاصی انجام می‌گیرد برخلاف دیدن، که غیراختیاری است، در نگاه کردن، توجه و دقت نیز دخالت دارد. به همین دلیل است که می‌گویند نگاه کردن یعنی ارادهٔ بیننده برای دیدن چیزی و توجه به جنبه‌های مختلف آن.

وقتی چیزی را «می‌بینیم» رنگ، شکل، جهت، بافت، بُعد و حرکت آن را از طریق پیام‌های بصری دریافت می‌کنیم. اما وقتی چیزی را «نگاه» می‌کنیم، علاوه بر اینکه آن را می‌بینیم به روابط و تناسبات آن نیز دقت می‌کنیم. بنابراین، دیدن یک امر کاملاً طبیعی است. در زندگی روزمره چیزهای فراوانی را می‌بینیم، اما وقتی اندازه، تناسب، فراوانی و کاربرد اشیاء موردتوجه قرار می‌گیرد «نگاه کردن» رخ می‌دهد. می‌توان نتیجه گرفت نگاه کردن والاتر و دقیق‌تر و عمیق‌تر از دیدن است.

تفاوت میان دیدن و نگاه کردن به‌ویژه در هنرهای دیداری (بصری) اهمیت دارد. مثلاً هنرمند عکاس همان چیزهایی را می‌بیند که ما می‌بینیم. اما عکاس، به دلیل تبحر و تجربه‌ای که در نگاه کردن پیدا کرده است، به تناسب‌های میان اشیاء دقت می‌کند و بهترین زاویه را برای عکس‌برداری برمی‌گزیند.



اگر به عکس‌های خانوادگی و عکس‌های یک عکاس خبره دقت کنید، تفاوت میان دیدن و نگاه کردن را خوب متوجه می‌شوید. مثلاً نگاه کنید به تصویر شمع حاصل‌شده در فضای خالی بین رواق‌های پل خواجه در شکل مقابل که نگاه تیزبینانه عکاس آن را شکار کرده است.

شکل (۱-۱)

▶ شمع حاصل‌شده در زیر یکی از رواق‌های پل خواجه در اصفهان
نگاه تیزبین عکاس قادر به کشف چیزهایی در پیرامون خود است که انسان‌های عادی به آن توجهی ندارند.



یکی از عوامل مؤثر در نگاه کردن و توجه، ویژگی‌های شخصیتی است. به همین دلیل، اگر دو عکاس از یک چشم‌انداز عکس بگیرند به احتمال زیاد عکس‌های آنها باهم تفاوت خواهد داشت. زیرا هیچ دو نفری را نمی‌توان یافت که ویژگی‌های شخصیتی کاملاً یکسان داشته باشند. بنابراین، می‌توان گفت توجه ناشی از ویژگی‌های شخصیتی، برداشت‌های متفاوتی را در بینندگان یک چشم‌انداز ایجاد می‌کند. براین اساس، نگاه کردن هنرمند با نگاه کردن افراد معمولی متفاوت است. این تفاوت را از هر دو جنبه کمی و کیفی می‌توان بررسی کرد. از نظر کمی، ادراک هنرمند از ادراک افراد عادی بالاتر و عمیق‌تر است؛ زیرا هنرمند هم قواعد علمی تصویر را می‌شناسد هم از روابط بصری و تناسب‌ها و روابط میان اشیاء آگاهی دارد. از نظر کیفی، هنرمند ابتدا اشیاء را می‌بیند و سپس با توجه و نگاه کردن و بر پایه گرایش‌های مثبت یا منفی خودش، به آن اشیاء و روابط میان آنها جنبه زیبایی‌شناختی می‌دهد. به همین دلیل است که می‌گوییم بیشتر افراد فقط «می‌بینند» ولی هنرمندان «نگاه می‌کنند».

فعالیت انتخابی

در میان آثار دو هنرمند عکاس (یا نقاش)، که با یک موضوع مشترک (مثلاً طبیعت) دست به خلق آثاری زده‌اند، جست‌وجو کنید. تفاوت‌های موجود در نگاه این دو هنرمند را برشمارید.





نگاه کردن فعالانه به طبیعت

از روزگاران کهن، این باور وجود داشته است که طبیعت بهترین آموزگار و بهترین سرمشق برای هنرمندان بوده است. شکل‌های مختلفی که در طبیعت دیده می‌شوند همواره بسیاری از پیکره‌سازان، نقاشان، نویسندگان، معماران و هنرمندان سایر رشته‌های هنری را تحت تأثیر قرار داده است. می‌توان گفت طبیعت منبعی بسیار غنی برای آفریدن آثار هنری است.

آفرینش فرم‌های هنری از طبیعت به ادراکات هنرمند مرتبط است. طبیعت در قدم اول از نظر زیبایی‌شناسی و هنری مورد توجه همگان نیست، اما این هنرمند است که با نگاه دقیق و ویژه خود از آن به‌منزله موضوع و الگوی اثرش بهره‌های فراوانی می‌گیرد. قدرت خیال هنرمند با مهارت او آمیخته می‌شود و مظاهر و مناظر طبیعت، با چیدمان و آرایش اجزا و عناصر مختلف فنی، به‌مثابه یک اثر هنری آفریده می‌شود.



شکل ۱-۲) غار خشکی - آبی کتله‌خور در استان زنجان که بیش از ۱۲۰ میلیون سال از شکل‌گرفتن آن می‌گذرد (عکس: علی مجدفر).



برای هر ملتی و در هر فرهنگی، شیوه برخورد با طبیعت و مظاهر طبیعی و نشان دادن آن در قالب آثار هنری به صورت‌های متفاوتی تجلی یافته است، چرا که تنوع آب‌وهوایی، گیاهی، جانوری و حتی انسانی و همچنین تفاوت اندیشه و افکار ملل مختلف باعث شده است موضوع طبیعت در آثار هنری ملل و اقوام گوناگون به یک شکل نباشد.



▲ شکل ۳-۱) شترهای کویر مرکزی ایران



▲ شکل ۴-۱) لاک‌پشت دریایی خلیج فارس





طبیعت بخشی از فضای بی‌نهایت است. فضا، ذهن بدون مرز هنرمند است که برای آن توصیف و توضیح ویژه و مشخصی وجود ندارد. اصطلاح فضای بی‌نهایت نیز در فرهنگ‌های مختلف و نزد هنرمندان سرزمین‌های گوناگون معنایی متفاوت دارد. این اختلاف معنا در سرزمین‌های هم‌جوار به دلیل تداخل فرهنگی و نزدیکی نوع نگاهشان کمتر است. برای مثال، هنرمندان قدیم ایرانی، همواره می‌کوشیدند زیبایی‌های طبیعت را با خلاقیت‌ها و تکنیک‌های خاص خودشان به مفهوم زیبایی مورد نظرشان نزدیک کنند و از آنجا که زیبایی یکی از صفات خداوند است این نگرش بیش از هر چیزی باعث شده است طبیعت و زیبایی‌های آن موضوعات بسیاری از آثار هنری ایرانیان را شکل دهد.



فعالیت ۲

تصویر زیر مربوط به «کویر مصر» یا «مزرعه یوسف» در ۴۵ کیلومتری شرق شهرستان جندق و ۳۰ کیلومتری شمال شهرستان خور از توابع استان اصفهان است. زیبایی‌های طبیعت می‌تواند با عناصر بسیار متکثر و پیچیده یا با عناصر بسیار ساده به وجود آمده باشند. سعی کنید احساسی را که تصویر زیر در شما برمی‌انگیزد توصیف کنید و در مورد آن با هم‌گروهی‌های خود گفت‌وگو کنید.



شکل ۵-۱) «کویر مصر» یا «مزرعه یوسف» در ۴۵ کیلومتری شرق شهرستان جندق و ۳۰ کیلومتری شمال شهرستان خور از توابع استان اصفهان



فعالیت ۳

شاید شما هم این جمله را شنیده باشید که «شنیدن با گوش دادن فرق می‌کند». شنیدن نیز مانند شنیدن صدای شیوه‌ی ادای متن را توصیف کنید که بر اثر دقت در گوش دادن برای اولین بار توجه شما را جلب کرده است.

شاید شما هم این جمله را شنیده باشید که «شنیدن با گوش دادن فرق می‌کند». شنیدن نیز مانند شنیدن عملی غیرارادی است. امواج صوتی از طریق حنجره گوینده تولید می‌شود، در هوا انتشار می‌یابد و به گوش شنونده می‌رسد. مانند نگاه کردن که دیدنِ فعالانه و با توجه است، گوش دادن نیز شنیدنِ فعالانه و با توجه است. به عبارت دیگر، شنیدن فرایندی مکانیکی و گوش دادن فرایندی تفکری است.

فرض کنید در خیابانی شلوغ راه می‌روید. صداهای گوناگونی مانند سروصدای خودروها و گفت‌وگوی افراد و صدای اذان از مسجد هم‌زمان به گوش شما می‌رسد. با این حال، شاید تمرکز شما فقط بر صدای اذان قرار بگیرد و حتی به محتوای سخنان دو نفر که کنارتان راه می‌روند گوش ندهید. در مرحله گوش دادن نیز صداها به گوش شما می‌رسد و مغز شما آنها را پردازش می‌کند، ولی شما به همه آنها توجه آگاهانه ندارید. در عوض، فقط به برخی از این اصوات گوش می‌دهید؛ یعنی آنها را تفسیر می‌کنید، ارزش آنها را می‌سنجید، و منظور آنها را درمی‌یابید.

همان‌طور که یکی از عوامل مؤثر در نگاه کردن، ویژگی‌های شخصیتی افراد است، گوش دادن نیز به منش و شخصیت افراد بستگی دارد. برخی از افراد ذاتاً به سخنان دیگران توجه می‌کنند و برخی از کنار سخنان دیگران بی‌اعتنا می‌گذرند. به جز این جنبه ذاتی، گوش دادن جنبه‌های اکتسابی هم دارد و با تمرین می‌توان آنها را فراگرفت. برخی از این تمرین‌ها عبارت است از: تمرکز بر سخنان دیگران؛ توجه به «زبان بدن» گوینده؛ پرسش از گوینده؛ و استفاده از زبان بدن خودمان. این کنش‌ها همچنین باعث می‌شود که گوینده مطمئن شود ما به‌طور



ارادی در حال گوش دادن به سخنان او هستیم. تفاوت میان شنیدن و گوش دادن در زمینه هنر نمود بارزتری دارد. هنرهای صوتی به شنیدن و گوش دادن وابسته‌اند. در شنیدن هنرهای صوتی، فرد به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه اغلب به ضربه‌نگ یا محتوای کلامی آن دقت می‌کند. در گوش دادن فعالانه علاوه بر توجه به ضربه‌نگ، به موارد دیگری همچون هارمونی، لحن و درون‌مایه نیز توجه می‌شود. گونه‌های هنرهای صوتی نیز در میزان دقت گوش دادن ما نقش دارد. افراد معمولاً هنرهای عامه‌پسند را به دقت هنرهای کلاسیک گوش نمی‌دهند. شاید مهم‌ترین دلیل آن سادگی آثار عامه‌پسند به نسبت آثار کلاسیک باشد.

شیوه گوش دادن ما به نسبت محیطی که در آن قرار می‌گیریم نیز تغییر می‌کند. ما شاید دقت چندانی به صداهایی که هر روز در فاصله مدرسه تا خانه می‌شنویم نداشته باشیم، اما زمانی که به دل طبیعت می‌رویم و پس از ساعت‌ها کوه‌نوردی به آبشاری می‌رسیم، نوای آن آبشار در دل سکوت طبیعت برایمان بسیار جالب توجه می‌شود.

▲ شکل ۶-۱) آبشار شوی یا تله‌زنگ در جنوب شهرستان درود در استان لرستان ضمن داشتن منظره‌ای شگفت‌انگیز نوایی دلنشین نیز دارد.

فعالیت انتخابی

با مطالعه دو فعالیت زیر، یکی را انتخاب کنید و آن را انجام دهید:

۱. سعی کنید به صداهایی که از خارج از کلاس و از دوردست‌ها می‌آید تمرکز کنید و مجموعه اصواتی را توصیف کنید که تا پیش از این به آنها توجه نداشتید.
۲. اثری صوتی را انتخاب و دو بار آن را گوش کنید. مجموعه عواملی را که در گوش دادن بار دوم متوجه آن شدید، اما در شنیدن دفعه اول درک نکرده بودید توصیف کنید.





موجودات زنده، از جمله انسان، به دلایل گوناگون از جای خود حرکت می‌کنند یا اعضای بدنشان را حرکت می‌دهند. برخی از این حرکات ارادی و برخی غیرارادی است. برای مثال، بلند شدن از جای خود عملی ارادی است و فرد می‌تواند از جایش بلند نشود و ثابت بماند. از سوی دیگر، پلک زدن چشم معمولاً غیرارادی است و ما بدون اینکه تصمیم بگیریم پلک می‌زنیم. به همین ترتیب، رفتار نیز گاهی ارادی و آگاهانه و گاهی غیرارادی و ناآگاهانه است. به‌طور کلی رفتار یعنی مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های پدیده‌ها. تعریف مفصل‌تر رفتار چنین است: رفتار پاسخی است که موجودات زنده به محرک‌های بیرونی می‌دهند. به عبارت دیگر، رفتار یعنی واکنش موجود زنده در برابر کنش‌های بیرونی. از آنجا که فرایندهای ذهنی انسان بسیار گسترده و بغرنج است، رفتار انسان‌ها نیز در مقایسه با سایر موجودات زنده بسیار پیچیده‌تر است.



فعالیت ۴

رفتارهای بدنی قادرند احساسات مختلف را بدون گفتار نمایش دهند. در گروه‌های سه نفره سعی کنید با بهره‌گیری از حرکات چهره و بدون حرکت دادن سایر اندام‌ها، احساس‌های چهارگانه خشم، شادی، اضطراب و ترس را نمایش دهید.

در زمینه هنر، توجه به تفاوت حرکت و رفتار اهمیت دارد. برخی از هنرها، مانند نمایش و سینما و حرکات منظم گروهی مانند رژه، بدون حرکت امکان‌پذیر نیستند. اگر تصاویر بر پرده سینما حرکت نکنند به مجموعه‌ای از تصویرهای ثابت تبدیل می‌شوند که دیگر نمی‌توان آن را سینما یا فیلم نامید. به همین ترتیب، اگر بازیگران بر صحنه نمایش بی حرکت بایستند، ماجرا به پیش نخواهد رفت. سواى این جنبه ذاتی حرکت در این هنرها، رفتار شخصیت‌ها در فیلم و نمایش نیز نیازمند حرکت است. این حرکت دو جنبه کلی دارد: الف) حرکت یا جابه‌جایی در مکان ب) حرکت اندام‌ها که به آن «زبان بدن» گفته می‌شود.





زبان بدن دو جنبه کلی دارد: زبان حرکات بدن؛ و زبان ظاهر بدن. در زبان حرکات بدن، مثلاً فرد با تکان دادن سر به بالا مخالفتش را با چیزی بیان می‌کند. در زبان ظاهر بدن، نوع پوشش و آرایش مو بر ویژگی‌های شخصیتی یا حالت فرد دلالت می‌کند. رفتارها یا حرکات بدن می‌توانند برای القای حالت یا رساندن منظور خاصی به کار روند. مثلاً شیوه دست‌دادن دو نفر می‌تواند معانی مختلفی را انتقال دهد:

دست دادن محکم: معمولاً نشان‌دهنده برتری جویی است؛ به‌ویژه اگر روی دست به سمت بالا و کف دست رو به پایین قرار گیرد.

دست‌دادن بسیار محکم: شور و اشتیاق علاقه و سلطه‌گری را می‌رساند.

دست‌دادن شل: نشان‌دهنده پرهیز از صمیمیت، ضعف و تسلیم‌بودن است. گاهی نیز پنهان‌کاری را نشان می‌دهد.

دست‌دادن دو دستی: این نوع دست‌دادن، که در آن دست چپ روی دست راست طرف مقابل قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده صمیمیت زیاد است.

فعالیت انتخابی

بخشی از یک فیلم سینمایی یا برنامه تلویزیونی در کلاس نمایش داده می‌شود. با راهنمایی معلم خود درباره موارد استفاده از زبان بدن (زبان حرکات بدن و زبان ظاهر بدن) در آن فیلم بحث و گفت‌وگو کنید.





فعالیت ۵

در گروه‌های ۳ تا ۵ نفره سؤالات زیر را به بحث بگذارید (اگر به پاسخ یکسانی نرسیدید، تعجب نکنید. دانشمندان زیبایی‌شناسی نیز در پاسخ به این پرسش‌ها هنوز اختلاف نظرهای زیادی دارند):

- چه چیزی را زیبا می‌نامیم؟
- آیا زیبایی واقعاً در جهان بیرون وجود دارد یا امری است ذهنی؟
- آیا زیبایی مطلق است، یعنی یک چیز زیبا در همهٔ دوره‌ها و برای همه زیبا می‌نماید؟
- آیا زیبایی حالت نسبی دارد، یعنی چیزی که امروزه برای برخی افراد زیبا شمرده می‌شود ممکن است برای دیگران در همان دوره یا در دوره‌های بعد زیبا نباشد؟
- آیا زیبایی اصول ثابتی دارد؟
- آیا انسان قوهٔ خاصی دارد که با آن زیبایی را تشخیص می‌دهد؟

انسان زیبایی را می‌ستاید و از زشتی می‌گریزد. بنابراین، می‌توان گفت زیبایی از اموری است که در زندگی ما نقش مهمی دارد. اما پرسش اصلی این است: زیبایی چیست؟ پاسخ به پرسش «زیبایی چیست؟» در حیطهٔ فلسفه قرار می‌گیرد و پرسشی علمی نیست. زیرا زیبایی را نمی‌توان با فرمول تعریف یا آن را در آزمایشگاه اثبات کرد. با این حال، فلسفه در پی شناخت زیبایی و امر زیباست تا ویژگی‌های آن را تعیین و اصول و قواعدش را تبیین کند. این بخش از فلسفه که به زیبایی و چیستی آن می‌پردازد «زیبایی‌شناسی» نام دارد.

زیبایی‌شناسی به چیستی زیبایی و چگونگی درک و فهم مخاطب از هنر و اثر هنری می‌پردازد. این شاخه از مطالعات هنری، از روزگاران باستان، تاکنون، مورد توجه اندیشمندان و علاقه‌مندان به هنر و زیبایی بوده است. اما باید بدانیم که در ابتدا زیبایی‌شناسی به‌طور کلی امور و پدیده‌های زیبا را در طبیعت مورد توجه قرار می‌داد. سپس به تدریج زیبایی‌شناسی به‌منزلهٔ علم مطالعهٔ هنر و زیبایی‌های هنری قلمداد شد. به دلیل اینکه





مسئله زیبایی‌شناسی با درک حسی سروکار دارد، بنابراین زیبایی‌شناسی در هنر به معنای بررسی و درک صورت آثار هنری است که عمدتاً به فرم و ساختار آن مربوط می‌شود. معمولاً دو گروه مباحث زیبایی‌شناسی را دنبال می‌کنند « اهل فلسفه» و « اهل هنر». اهل فلسفه معمولاً در زمینه شناخت و تفسیر زیبایی و هنر فعالیت می‌کنند و اهل هنر زیبایی را در آثار هنری جست‌وجو می‌کنند.

زیبایی‌شناسی، در حیطه فلسفه، با پرسش‌های بنیادی درباره زیبایی و چیستی یا ماهیت آن سروکار دارد. برخی از این پرسش‌ها را در فعالیت آغازین این بخش دیدیم. با نگاه به این پرسش‌ها می‌توان دریافت که بحث از زیبایی به آن سادگی که به نظر می‌رسد نیست و دانش زیبایی‌شناسی برای پاسخ به همین پرسش‌ها پدید آمده است. تعریف زیبایی بسیار مشکل است، اما زیبایی‌شناسی چیزی است که ما در زندگی خود آن را بارها تجربه کرده‌ایم. وقتی ما با یک اثر هنری زیبا مواجه می‌شویم، در ابتدا با دیدن آن و اجزاء و عناصر ترکیب‌بندی‌شده آن، احساس سرزندگی، شادی، آرامش یا حتی سردی و اندوه می‌کنیم. این احساسات ما از چیزی ناشی می‌شود که به آن تجربه زیبایی‌شناسانه مخاطب گفته می‌شود. پس هر مخاطبی در مواجهه با آثار هنری واکنش‌های متفاوتی را نشان می‌دهد که ناشی از همین تجربیات زیبایی‌شناسانه اوست. اما موضوع زیبایی‌شناسی به همین جا ختم نمی‌شود و در مراحل بعدی مخاطب از طریق کشف ویژگی‌های ساختاری اثر هنری می‌تواند به معناکاو و تفسیر اثر هنری بپردازد.



فعالیت ۶

از میان آثار هنری که در سال‌های گذشته خلق کرده‌اید یک اثر را انتخاب کنید و همراه خود به کلاس بیاورید. در گروه‌های کاری، با هم‌کلاسی‌های خود درباره آثار صحبت کنید. آیا اثر شما از نظر دیگران هم زیباست؟ آثار دیگران چطور، از نظر شما زیباست؟ کدام یک از آثار از نظر بیشتر افراد زیباست؟ سعی کنید دلایل زیبایی آثار مختلف را با کمک یکدیگر بیان کنید. آیا هر یک از شما برای بیان نظر خود دلایل متفاوتی را بیان می‌کنید؟ به نظر شما چرا دلایل هر یک از شما با یکدیگر متفاوت است؟ این تفاوت در دیدگاه‌ها ناشی از چیست؟ آیا مواردی وجود دارد که همه شما درباره آن هم‌عقیده باشید؟ آیا می‌توانید دلایل اشتراک نظر خود را درباره زیبایی بیان کنید؟

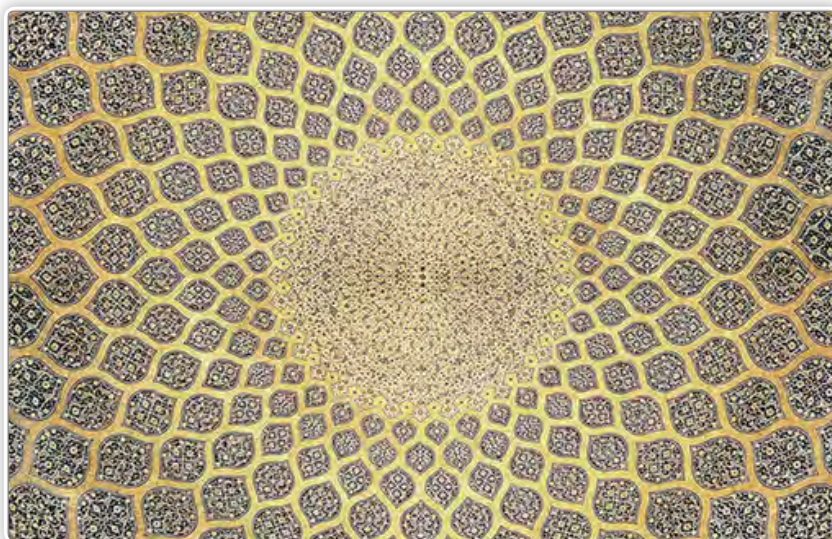
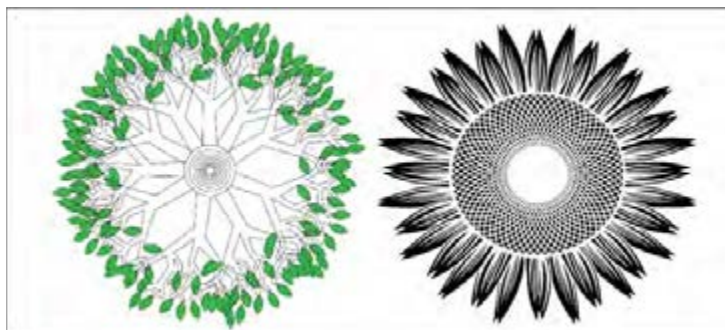


فعالیت ۷

به شکل‌های زیر توجه کنید، چه می‌بینید؟ ابتدا سعی کنید از هریک از تصاویری که می‌بینید توصیفی ارائه دهید. آیا می‌توانید میان این تصاویر ارتباطی پیدا کنید؟

- چه ارتباطی بین این شکل‌ها وجود دارد؟ در گروه‌های کاری درباره مفاهیمی که از آنها برداشت کرده‌اید صحبت کنید.

- به نظر شما آیا تکرار این فرم در پدیده‌های طبیعی، می‌تواند معنا و مفهومی داشته باشد؟



▲ شکل ۷-۱) نمای داخلی گنبد مسجد شیخ لطف‌الله



حقیقتِ زیباییِ انسان مرتبط به روح اوست، چراکه خداوند در آفرینش انسان، از روح خود در آدمی دمیده است. بر همین اساس، ما به زیبایی واکنش نشان می‌دهیم، چون دارای روح هستیم. رفتارهای زیبا و اخلاقی از سوی ذهن آدمی قابل ادراک است و انسان‌ها از هر قوم و فرهنگی برای آن ارزش قائل‌اند. هرچه ارتباط انسان با روح قدسی خویش قوی‌تر باشد، رفتارهای او زیباتر و اخلاقی‌تر می‌شود. در تفکر سنتی، زیبایی و هنر با هم در ارتباط‌اند. این تفکر هنر را مجموعه‌ی دستاوردهای زیبایی می‌داند که انسان آن را می‌سازد. اما واقعیت این است که لفظ هنر در طول تاریخ، تعاریف مختلفی داشته است. در دوران معاصر برخی اعتقاد دارند که هنر لزوماً نیازی به زیبایی ندارد و بیشتر چیزی است برای فهمیدن و درک شدن. در عرصه هنر مدرن، برای روشن ساختن معنای هنر، گاهی فرم در اولویت قرار داشته است و گاهی ایده‌هایی که در قالب هنر ارائه می‌شوند ملاک تعیین جایگاه هنر بوده است.

در هنر اسلامی، به جای واژه زیبایی از اصطلاح «حُسن» و «نیکویی» استفاده می‌شود. بنابر آیات شریف قرآن، یوسف نه صرفاً به دلیل زیبایی صورت، بلکه به دلیل نیکویی‌اش دوست‌داشتنی بود. آنجا که زنان مصر پس از مشاهده او دست خود را می‌برند، قرآن این واقعه را چنین نقل می‌کند: «فَأَمَّا زَيْنَةُ أَكْبَرُهَا وَ قَطْعَنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ» (یوسف / ۳۱). آیه اشاره دارد به اینکه زنان او را بزرگ یافتند و سوگند خوردند که او بشر نیست، بلکه فرشته‌ای کریم است. در مواجهه یوسف و زلیخا نیز قرآن یوسف را از جانب رب دارای جایگاهی نیکو می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّهُ رَجٌّ أَحْسَنُ مَثْوَى» (یوسف / ۲۳).

هنر در دیدگاه اسلام، عبارت است از تصویر و تجسم اشیا و پدیده‌ها مطابق طبیعت و ذاتشان. چون نقطه کمال زیبایی نزدیک شدن به آن کمال زیبایی‌آفرینی است که پروردگار دارد و هنرمند آن را به اشکال مختلف نمایان می‌کند. بر این اساس، دلیل اصلی آفرینش هنرمند نیز ایجاد فضایی است که بشر با بهره‌گیری از آن به شناخت شأن ازلی خویش نائل آید. به همین دلیل هنر والا همه اضطراب‌های دنیایی را از میان برمی‌دارد و نظم و صفا و آرامش را جایگزین آن می‌کند. اگر بخواهیم از کاربرد هنری زیبایی یا حُسن سخن بگوییم، می‌توانیم از داشتن اندازه معین، نظم، و تناسب به‌منزله شروط زیبایی یاد کنیم که حکمای شرق و غرب از دیرباز براساس آنها زیبایی را تعریف کرده‌اند. این ویژگی‌ها در هنرهای تجسمی، آوایی، معماری، صنایع‌دستی و سایر مظاهر به‌خوبی نمایان است. علاوه بر این صورت‌های هنری، حضور حُسن را می‌توان در ادبیات نیز جست‌وجو کرد. حُسن در ادبیات فارسی و همچنین فرهنگ اسلامی نقش برجسته‌ای دارد. قرآن داستان یوسف پیامبر را، که در فرهنگ یهود نیز نقل شده است و از داستان‌های کهن جهان به شمار می‌رود، احسن‌القصص می‌نامد. این زیبایی، که قرآن به آن تصریح دارد، هم به حضور حسن در این داستان برمی‌گردد که در وجود یوسف متبلور شده و هم از طریق تحلیل و بررسی در بافت داستان و عناصر زیباشناختی، روان‌شناختی، و عاطفی حاضر در آن قابل دریافت است. در فرهنگ‌های دینی و در اغلب دین‌ها و آئین‌ها، به‌ویژه در قاموس دین اسلام، زیبا نامی از نام‌های نیکوی خداوند است. چنانکه رسول اکرم (ص) می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ (خداوند متعال زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد و دوست دارد اثر این نعمتش را بر بنده‌اش





ببیند). بنابراین در فرهنگ اسلامی، زیبایی دارای معانی معنوی و معرفتی است. در این چارچوب فکری، اعتقاد بر این است که زیبایی و هنر موهبت‌های خدادادی‌اند و نیز اعتقاد بر این است که آفریدن چیزهای زیبا عبادت است. بنابراین زیبایی در قاموس تفکرات اسلامی جنبهٔ باطنی، معنوی و عرفانی به خود می‌گیرد و با آنچه در سنت هنری غرب مطرح است تفاوت‌هایی دارد. در واقع زیبایی در فرهنگ اسلامی با اصطلاحات خاص خودش قابل تعریف است که بیشتر جنبهٔ انتزاعی و باطنی دارند تا ظاهری. برای همین ما در اینجا به کلیدی‌ترین اصطلاحاتی که مترادف زیبایی و زیبایی‌شناسی در فرهنگ اسلامی است اشاره می‌کنیم، یعنی حُسن و جمال الهی:

حُسن: مهم‌ترین واژه‌ای که با زیبایی مترادف است حُسن خوانده می‌شود. در واقع برای استفاده از لفظ زیبایی در هنر، در فرهنگ و تفکر اسلامی، عمدتاً حُسن را به‌جای زیبایی استفاده می‌کنند. در تفکر اسلامی، زیبایی معنای وجودی دارد یعنی همه موجودات زیبا هستند و عالم مظهر خداوند است و زیبایی امری ذهنی تلقی نمی‌شود و در نتیجه زیبایی تحقق خارجی پیدا می‌کند. ارتباط این روش بررسی معنی زیبایی در اسلام، با هنر دور است؛ زیرا در حکمت اسلامی و شرقی زیبایی در هنرها مورد بحث نیست، بلکه معطوف به کل موجودات است. به همین دلیل سخن‌گفتن از حُسن موجودات، در واقع سخن‌گفتن در باب حُسن خداوند متعال است.

جمال الهی: از مهم‌ترین ویژگی‌های عرفان اسلامی، دعوت انسان به‌سوی خدایی است که در کمال زیبایی و جمال است. در عالم عرفان، در شناخت و عبادت خداوند همواره بر زیبایی و جمال او تأکید می‌شود.





مفاهیم بنیادی هنر



شیوه‌های تعریف هنر



فعالیت ۸

به گروه‌های سه تا پنج نفری تقسیم شوید و هر یک تعریفی را در یک جمله برای «هنر»، بدون مشورت و به صورت محرمانه، روی کاغذ یادداشت کنید. پس از آنکه همه اعضا تعریف خود را تکمیل کردند، آنها را قرائت کنید و نقاط اشتراک و تفاوت‌های آنها را به بحث بگذارید.

در دوران معاصر هنر را به سه روش کلی تعریف کرده‌اند. اولین روش به فرم یا همان شکل تأکید می‌کند و هنر را چیزی به جز شکل‌ها و فرم‌های زیبا نمی‌بیند. فرم ویژگی ذاتی یک اثر هنری خوب است. فرم یعنی ترکیبی از خطوط و رنگ‌ها به شیوه‌ای مشخص که باعث بیدار شدن احساسات زیبایی‌شناسانه در مخاطب می‌شود. در واقع مهم‌ترین نکته قابل توجه در این دیدگاه، برجسته کردن فرم در اثر هنری است که در حقیقت عامل اصلی زیبایی در هنر است.

روش و دیدگاه دوم، هنر را به صورت مقوله‌ای غیرمادی تعریف می‌کند. یعنی اثر هنری ایده و احساس درون ذهن یک هنرمند است. در این دیدگاه و تعریف، هنر که همان ایده و احساس درونی و ذهنی هنرمند است با خلاقیت و قوه خیال هنرمند شکل مادی به خودش می‌گیرد و خود را در قالب یکی از انواع هنرها بروز می‌دهد. براساس این دیدگاه، هدف اثر هنری سرگرم کردن نیست و مادی بودن آن هم در اولویت دوم قرار دارد، چرا که هنر همان ایده ذهنی و باطنی درون هنرمند است.

روش یا دیدگاه سوم، تلاش می‌کند چیزهای مختلفی را که انسان به نوعی در خلق آنها نقش داشته است هنر تلقی کند. در این تعریف از هنر، شرایطی در جامعه و توسط انسان‌ها دست‌به‌هم می‌دهد تا اشیای مختلف یا چیزهایی را که دور انداخته شده‌اند با دخل و تصرف و قراردادن آنها در فضاهایی مثل موزه به هنر تبدیل کند. مثلاً ممکن است یک تکه چوب و یا یک آجر صرفاً با درج یک امضا روی آن و قرار گرفتنش در موزه، هنر قلمداد شود. در این نگرش، مرز بین هنر و غیر هنر یا آن چیزی که هنر نیست، مخدوش می‌شود. همچنین معنی واقعی زیبایی هم کم‌رنگ می‌شود. اما در هر صورت هنر، که برای آن از واژه انگلیسی آرت استفاده می‌شود، یک پدیده مدرن است و از زمان شکل‌گیری معنی خاص هنر، که آن را از سایر دستاوردهای بشری مجزا می‌کند، ما با لفظ آرت سروکار داریم.





در کشور ما، واژه «هنر» کلمه‌ای قدیمی نیست و در منابع کهن، برای این معنا، از اصطلاح «صناعت» استفاده می‌کردند. حکیمان ایرانی صنعت را عنصری بسیار مهم در زندگی سعادت‌مند انسانی به شمار می‌آورده‌اند. فارابی صنعت را مرتبط به «عقل عملی» می‌داند؛ یعنی یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باعث تفاوت میان انسان و حیوان می‌شود. از نظر او، عقل، منشأ فکر و واسطه فراگیری صناعات و علوم و تشخیص خوبی و بدی است. فارابی معتقد است چهار چیز سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین می‌کند: فضایل انسانی، فضایل فکری، فضایل خلقی و صناعات عملی. برای انسان ژرف‌نگر ادراک عمیق زیبایی‌های اثر هنری موجب نیل به کمال انسانی می‌شود. پس در زبان فارسی نیز، هنر به معنای فضیلت، جوانمردی، نیکویی، تقوا و دادگری است.



تقسیم‌بندی هنرها

هنرها را با شیوه‌های مختلفی می‌توان تقسیم و طبقه‌بندی کرد. برای مثال براساس مخاطب آثار هنری می‌توان هنرها را به دو دسته طبقه‌بندی کرد: هنرهایی که توده‌های مردم به آنها توجه می‌کنند و اصطلاحاً به آنها هنرهای مردم‌پسند گفته می‌شود و هنرهایی که اقشار خاص به آنها توجه می‌کنند و به هنرهای کلاسیک معروف است. هنرها را می‌توان براساس حواس بشری که آنها را ادراک می‌کنند دسته‌بندی کرد، مثلاً هنرهای دیداری، هنرهای شنیداری، هنرهای دیداری - شنیداری. هنرها را می‌توان براساس نقش آنها در زندگی انسانی تقسیم کرد، مانند هنرهای تزئینی و هنرهای کاربردی. شیوه دیگر طبقه‌بندی آن است که هنرها را براساس دوره‌های تاریخی طبقه‌بندی کرد. برای مثال هنرهای دوران پیش از اسلام، هنرهای قرون اولیه اسلامی، ... و هنرهای معاصر. در یک شیوه دیگر تقسیم‌بندی می‌توان هنرها را براساس موضوع آنها طبقه‌بندی کرد؛ مثلاً هنر دفاع مقدس، هنر مذهبی، هنر اخلاق‌مدار و... همان‌گونه که دیده می‌شود راه‌های بی‌شماری برای طبقه‌بندی هنرها وجود دارد. بنابر موضوع این کتاب، ما هنرها را در سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌کنیم. این سه طبقه با ساحت آفرینش و ادراک هنرها مرتبط است و عبارت است از هنرهای زمان‌مند، هنرهای مکان‌مند و هنرهای آمیخته (زمان‌مند - مکان‌مند).

هنرهای زمان‌مند عبارت‌اند از آن دسته از هنرها که عناصر سازنده آنها در طول زمان شکل می‌گیرند. برای درک این هنرها نیز بنابر طول زمانی اثر هنری، مخاطب باید خود را در بازه زمانی معین در اختیار دریافت آن اثر قرار دهد. مجموعه هنرهای صوتی شامل آواها، خطابه‌ها و موسیقی‌ها از جمله هنرهای زمان‌مند محسوب می‌شوند. آثار هنری این گروه همواره در نقطه‌ای خاص از زمان آغاز می‌شوند و در نقطه‌ای مشخص پایان می‌پذیرند و از این‌رو طول زمانی معینی دارند. فرایند دریافت مخاطب نیز در همین بازه زمانی صورت می‌گیرد، چه اثر به صورت زنده در حال اجرا باشد و چه به صورت بازپخش اثر ضبط‌شده از آن استفاده کند.





هنرهای مکان‌مند به مجموعه هنرهایی گفته می‌شود که عناصر شکل‌دهنده آنها در گستره مکانی دو بُعد (مانند طراحی، نقاشی و عکاسی) یا سه بُعد (مانند پیکرتراشی و معماری) خلق و ادراک می‌شود. بسیاری از هنرهای مکان‌مند را، به‌ویژه آن دسته که در سه بُعد شکل می‌گیرند، می‌توان هم از راه لمس و هم از طریق دیدن ادراک کرد. آثار مربوط به این گروه برخلاف آثار هنرهای زمان‌مند، جسمیت دارند و هر یک اصطلاحاً یک «بُژه» برشمرده می‌شود.

هنرهای آمیخته (زمان‌مند- مکان‌مند) عبارت‌اند از آن دسته از هنرها که هم‌زمان از دو مؤلفه زمانی و مکانی در فرایند خلق و ادراک خود بهره‌مند می‌شوند. یعنی اولاً به یک فضای دوبعدی (مانند پرده سینما) یا سه‌بعدی (مانند صحنه تئاتر) نیازمندند و ثانیاً به دلیل به نمایش گذاشتن حرکت، برای آفرینش و ارائه، به بستر زمانی معین نیاز دارند. اگر هر یک از دو مؤلفه زمانی یا مکانی را از این دسته هنرها بگیریم آن هنر نابود می‌شود. مثلاً در نمایش یک فیلم اگر ابعاد طول و عرض پرده نمایش به صفر برسد، اثر سینمایی به یک اثر رادیویی تبدیل می‌شود؛ و اگر طول زمان اجرا را به صفر برسانیم، تصویر روی پرده منجمد می‌شود و اثر سینمایی به یک قاب عکس تبدیل می‌شود.



فعالیت ۹

به سه تصویر زیر نگاه کنید.

- موضوع هر سه تصویر چیست؟

- در مورد هر یک از موارد زیر صحبت کنید:

جنس، رنگ، شکل، ابعاد، نوع خطوط و میزان تفاوت یا نزدیکی اثر با طبیعت یا موارد دیگری که به شکل ظاهری اثر مربوط می شود و ممکن است شما تشخیص دهید.

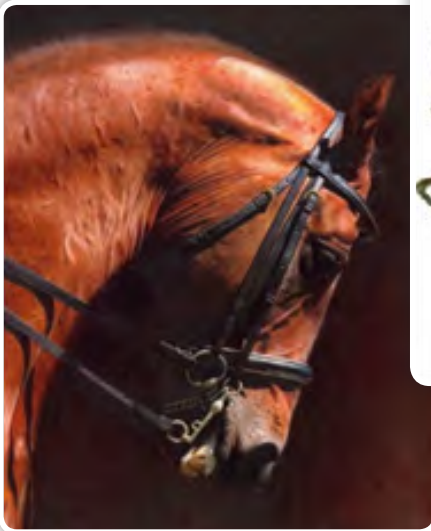
- در مورد محتوای هر اثر صحبت کنید (محتوا شامل درون مایه اصلی اثر است که به مخاطب انتقال می دهد).

اکنون به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- برای یک متن علمی کدام اثر را انتخاب می کنید؟

- برای ورودی یک پیست اسب دوانی کدام اثر و برای جلد یک کتاب کدام اثر را انتخاب می کنید؟

- اگر تصویر دوم را برای جلد یک کتاب انتخاب کنید، فکر می کنید نام و موضوع آن کتاب چه باشد تا با حسی که از این تصویر ناشی می شود ارتباط داشته باشد؟ اگر می توانید توضیح دهید.





هر اثر هنری شامل سه عنصر اصلی است: موضوع، محتوا و فرم (شکل)

موضوع: یکی از اجزا و مفاهیم پایه‌ای هنر است و تا زمانی که موضوعی در کار نباشد، اثر هنری نمی‌تواند نشان‌دهنده چیزی باشد و شکل نخواهد گرفت. براساس روال رایج در دنیای هنر، موضوع هنر ممکن است انسان، شیء یا یک ایده باشد. البته باید مراقب باشیم که معنی موضوع با معنی فرم، که در بخش بعدی آن را توضیح خواهیم داد، اشتباه نشود؛ چرا که فرم در خدمت بیان موضوع است. براساس انتظار ما، ممکن است نشان‌دادن انسان و شیء در اثر هنری واضح باشد، اما نشان‌دادن یک فکر یا ایده چنین نیست. درواقع موضوع، نقطه آغاز شکل‌گیری اثر هنری است و آنچه در باب موضوع بسیار روشن است، شباهت اثر هنری به چیزی در بیرون از جهان اثر هنری است. هنرمند با نگاه کردن به پیرامون خود می‌تواند چیزهای مختلفی را مانند مظاهر طبیعت، اشیاء و انسان‌ها به منزله موضوع انتخاب کند. بنابراین در اینجا هنرمند باید همواره با بهره‌گیری از محیط پیرامون خودش و مظاهر طبیعت به صورتی خلاقانه آنها را در قالب یک اثر هنری نشان دهد. مسئله موضوع مربوط به انواع شاخه‌های هنری است. مثلاً در موسیقی، صدای پرندگان، رعدوبرق و حتی صدای جاری بودن آب را می‌توان در برخی از آثار موسیقی‌دانان شنید. اگرچه در هنرهای تجسمی به‌خصوص نقاشی، موضوع برجسته‌تر و نمایان‌تر از سایر گونه‌های هنری قابل‌مشاهده است، در تئاترها و فیلم‌های سینمایی که واقع‌گرایانه‌اند نیز موضوع را می‌توان مشاهده کرد. بنابراین تمامی آثار هنری دارای موضوعاتی‌اند که میزان نسبت آنها با دنیای واقعی لزوماً یکسان نیست. باید توجه کنیم که در آثار هنری موسوم به انتزاعی (یعنی آثاری که واقع‌گرایانه نیستند) گاهی موضوع با دخالت‌های خلاقانه هنرمند از سر و شکل واقعی و طبیعی خودش فاصله می‌گیرد و با فرم‌های مختلفی به نمایش درمی‌آید. مثلاً یک اثر سینمایی با موضوع دفاع مقدس ممکن است به شکلی مستندگونه و یا به شکل انیمیشن طراحی و ارائه شود. در این صورت موضوع در هر دو اثر یکسان اما شکل و محتوا متفاوت است.



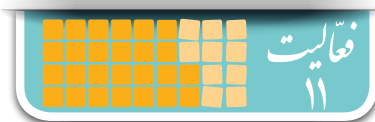
فعالیت ۱۰

با راهنمایی معلم خود، نمونه‌های مختلفی از آثار هنری مختلف را ببینید و سپس به توصیف موضوع آنها بپردازید. در خلال توصیف موضوع اثر هنری، تلاش کنید رابطه بین اثر هنری و موضوع آن را مقایسه کنید و سپس به دسته‌بندی موضوعات مختلفی که مشاهده می‌کنید بپردازید.





محتوا هر اثر هنری دارای پیامی است. این پیام ممکن است عاطفی، اجتماعی یا دینی باشد. منظور ما از محتوای اثر هنری در حقیقت همان پیام یا معنایی است که اثر هنری آن را ارائه می‌دهد. اگر بپذیریم فرم اثر هنری به چگونه گفتن یا چگونه نشان‌دادن مربوط است، محتوا به چرا گفتن یا با چرایی مرتبط است. محتوا گاهی احساسات و عواطف هنرمند را نشان می‌دهد و از سویی به معنای هدف نهایی اثر هنری است. البته باید در نظر داشت که گاهی قرار نیست هنرمند مستقیماً پیام یا معنای مشخصی را به مخاطب عرضه کند؛ بلکه نقش مخاطب اثر هنری و برداشت‌های او از معنای هنر است که اجازه تحلیل و درک محتوا را فراهم می‌سازد. در حقیقت هنر و شاخه‌های مختلف هنری هر یک به روش خاص خودشان درصدد ارائه و آفرینش محتوا هستند و همان‌طور که خواهیم دید، برای ارائه محتوا در اثر هنری، هنرمند نیازمند فرم است تا بتواند از طریق آن معنا و محتوای موردنظرش را به نمایش و اجرا دریاورد.



در این بخش تلاش کنید آثاری را که در بخش قبلی یعنی موضوع، مورد بررسی قرار داده‌اید از نظر محتوا و پیام تحلیل کنید. به عبارتی پیام یا پیام‌هایی را که هنرمند از طریق کارش ارائه داده است توصیف کنید.

فرم از جمله کلیدی‌ترین مفاهیم بنیادی هنر است و گاهی آن‌قدر برای ما عادی و بدیهی به نظر می‌رسد که مانند مقولاتی چون زمان، فضا و مکان قابل‌درک و تعریف است. اما واقعیت این است که در جهان هنر، فرم لزوماً همان معنی بدیهی و آشنایی را که ممکن است عموم مردم به‌عنوان شکل هر چیزی تلقی کنند، نداشته باشد. زیرا هر یک از شاخه‌های هنری برای بیان محتوا و نشان‌دادن موضوعشان با فرم‌های مناسب و متفاوتی سروکار دارند. برای مثال معنی فرم در موسیقی با معنی فرم در نقاشی متفاوت است. به‌طور کلی در طول تاریخ هنر و از زمان شکل‌گیری آن، فرم همواره به روش‌های مختلف مورد توجه هنرمندان و حتی پژوهشگران هنری بوده است. چراکه هنر بدون فرم و محتوا نمی‌تواند موجودیت داشته باشد و به همین دلیل است که باید بدانیم رابطه تنگاتنگ و مستقیمی بین موضوع، فرم و محتوا وجود دارد.





اما به‌راستی فرم چیست؟ به‌صورت خیلی ساده می‌توان گفت فرم در جهان هنر سه تعریف کلی دارد. (۱) به معنی خطوط دور یک شکل است؛ مانند شکل یک مجسمه و حتی ژست‌های مختلف. در این معنا، همهٔ اشیای پیرامون ما فرم دارند و می‌توان خطوط دور آنها را به‌صورت‌های مختلفی مشاهده کرد. (۲) به معنی ترکیب، نظم و آرایش بین اجزا و عناصر تشکیل‌دهندهٔ اثر هنری است؛ برای مثال ترکیب عناصر در هنرهای تجسمی مانند نقطه، خط، رنگ، بافت و نور. می‌توان گفت در این تعریف، فرم با ساختار اثر هنری هم‌معنی است. (۳) گاهی اوقات به معنی سبک اثر هنری تلقی می‌شود، مثلاً همان‌گونه که بین یک نقاشی واقع‌گرا و نقاشی فراواقع‌گرا (سورئالیستی) تفاوت وجود دارد.



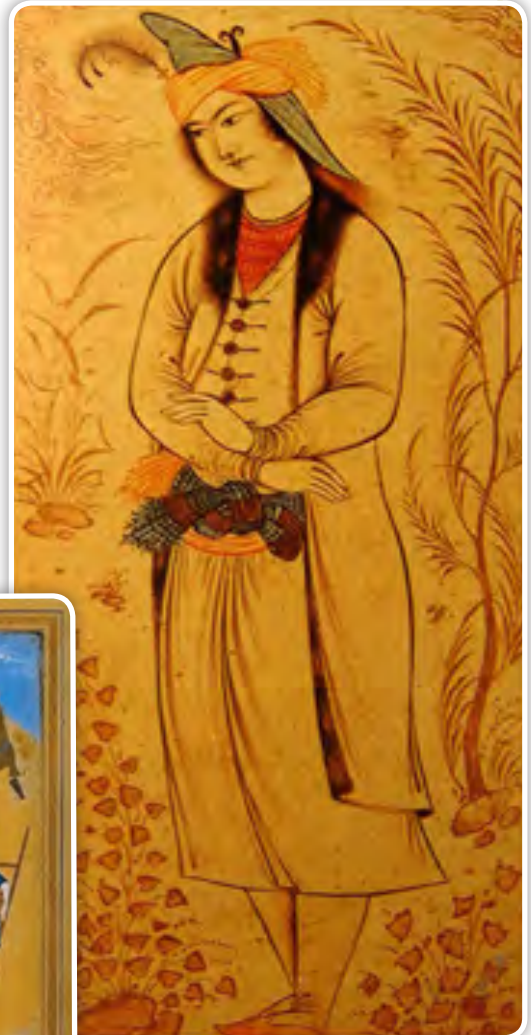
با راهنمایی معلمتان، سعی کنید با نگاه کردن به پیرامون خود یا انتخاب اشیای مختلف، فرم آنها را روی کاغذ رسم کنید. همچنین چند تصویر از آثار نقاشی انتخاب کنید و سعی کنید فرم‌های هندسی مورد استفاده در آن را استخراج کنید. مثلاً ممکن است تصویر یک کوه شبیه مثلث باشد یا تصویر یک حوض شبیه دایره به نظر برسد.



به سه اثر نگارگری زیر در مکتب‌های هرات، اصفهان و تبریز نگاه کنید و سعی کنید تفاوت‌های شیوه کار هنرمندان را در هریک از مکاتب توصیف کنید.



▶ غازان نیشابور را تصرف می‌کند، نگاره‌ای از کتاب جامع‌التواریخ در مکتب تبریز اول



▶ شاهزاده محمد بیک گرچی، اثر رضا عباسی از پیشگامان مکتب اصفهان



▶ ساختن قصر خورنق، اثر استاد کمال‌الدین بهزاد از پیشگامان مکتب هرات



سبک از جمله مفاهیم و اصطلاحات بسیار رایج در عرصه هنر است که تقریباً همه کسانی که به نوعی در حوزه هنر فعالیت می‌کنند با آن آشنا هستند و بارها آن را شنیده‌اند. انتخاب و قرارداد دو اصطلاح کلیدی سبک و مکتب در کنار همدیگر، در قدم اول برای برطرف کردن یک اشتباه رایج و همچنین تعریف دقیق این مفاهیم بنیادی هنر است. آنچه عموماً به‌منزله سبک مطرح می‌شود به شیوه‌ها، قاعده‌ها و روش‌های مختلف تولید آثار هنری از سوی هنرمندان گفته می‌شود که گاهی به‌عنوان جریان‌ها یا جنبش‌های هنری هم مطرح است. اما باید گفت سبک به شیوه فردی و منحصر به فرد هر هنرمند در خلق اثر هنری گفته می‌شود. یعنی شناسنامه فردی هنرمند در چگونگی خلق و آفرینش اثر هنری که مختص به خود اوست. اما مکتب به معنای یک روش یا جریان کلی است که پیروانی دارد و براساس اصول و قواعد مشخصی شکل می‌گیرد و عده‌ای هم بر مبنای همان اصول مشترک و تعیین شده با روش خاص خود (یعنی سبک) اقدام به خلق آثار هنری می‌کنند. البته بسیار پیش می‌آید که هنرمندان از سبک یکدیگر تأثیر می‌پذیرند یا سبک خاص خود را براساس سبک سایر هنرمندان رقم می‌زنند. ولی بسیاری از هنرمندان برجسته و مشهور جهان سبک‌های ویژه خود را دارند که گاهی این سبک‌ها به تدریج به مکتب هم بدل شده‌اند. بر این اساس، تاریخ هنر از دیرباز با همین شکل‌گیری مکتب‌های مختلف به مسیر خود ادامه داده است و در این فرایند، هنرمندان مختلف سبک‌های متنوع و بی‌شماری را خلق کرده‌اند. سبک هر هنرمند به میزان خلاقیت او در نشان دادن موضوع و آفرینش اثری هنری بستگی دارد.

فعلیت انتخابی

به انتخاب خود و با راهنمایی معلم، چند تصویر از هنر عکاسی یا نقاشی انتخاب کنید که موضوع آنها طبیعت است. سپس با کنار هم قراردادن آنها توضیح دهید هر یک از آن تصاویر یا آثار چگونه طبیعت را در قالب نقاشی یا عکس نشان داده‌اند و روش هر هنرمند در پرداخت موضوع چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با دیگری دارد.



فقالیت های انتخابی پایان پودمان

- ۱- با مرور مطالب ارائه شده در پودمان، چند شیوة نوین برای تقسیم‌بندی انواع هنرها ارائه کنید.
- ۲- یک اثر هنری انتخاب کنید و در آن سه عنصر اصلی «موضوع»، «محتوا» و «فرم» را توصیف کنید.
- ۳- با استفاده از منابع کمک‌آموزشی، انواع مکاتب مختلف را در یکی از رشته‌های هنری مانند سینما، نقاشی و ... دسته‌بندی و ارائه کنید.